

اسلام سیاسی، دین و سیاست در دنیای عرب

Ayubi, Nazih. *Political Islam, Religion and Politics in the Arab World*. London: Routledge, 1991, 291 pages.

فردی بباورها و اعتقاداتش برابر است با هزار نفر با تنها منافع و خواسته‌ها [ی شخصی] شان. جان استوارت میل

امروزه، دین اسلام از نظر تعداد پیروان دومین دین بزرگ جهان محسوب می‌شود. یک گزارش پژوهشی سازمان ملل که به تازگی منتشر شده است، نشان می‌دهد که ۱۷/۸ درصد از جمعیت ۵ میلیارد و ۲۰۳ میلیون نفری جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، طبق آخرین آمار، جمعیت مسلمانان جهان ۹۳۴ میلیون و ۶۱۱ هزار نفر است. جمعیت مسیحیان نیز ۳۲/۹ درصد از کل جمعیت جهان برآورد شده است. مجموع مساحت کشورهای که تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جهان اسلام را تشکیل می‌دادند، حدود ۱۲ میلیون مایل مربع بود. در حالی که پس از فروپاشی شوروی و تجزیه جمهوریهای آن و تشکیل چند کشور مسلمان جدید (آذربایجان، تاجیکستان و...) و نیز تشکیل کشور بوسنی هرزگوین در قاره اروپا و احتساب مساحتی که اقلیت‌های مسلمان در

ملی، دراز مدت در «شورای اطلاعات ملی» سازمان سیا که با هدف انجام مطالعات استراتژیک در راستای پیش‌بینی رخدادهای اساسی در جهان بوده، قابلیت‌های ذهنی و تحلیلی او را در زمینه‌های یاد شده گسترش داده است.

فرلر در مقدمه کتاب خود اظهار امیدواری کرده است: «این کتاب در درک و فهم بهتر کشوری کاملاً غیر معمول و مردمان بسیار بخشنده که من احترام زیادی برای آنان قائلم، کمک و راهبر باشد. من به دنبال کار انتقادی نبوده، بلکه خواسته‌ام به روش شرح و توصیف کار کنم. اگر چه فرهنگ سیاسی ایران پیچیده است، ولی محققاً فرهنگی «دیوانه» یا «غیر معقول» که غالباً در مقابله آمریکایی‌ها [با ایرانیان] به طور قاطع مطرح می‌شود، پایه و اساس واقعیت [رفتار] ایرانیان را باید از طریق تمام آنچه مربوط به آنان است، درک و فهم کرد. باعث تأسف است که ایران و آمریکا در خلال دهه گذشته بیش از هر کشور دیگری نسبت به یکدیگر بغض و کینه روا داشته‌اند. بنابراین، نگارنده چنانچه امکان درک و فهم فرهنگ سیاسی ایران از طریق [مطالعه] این کار پژوهشی بیشتر فراهم شود، بسیار خوشنود خواهد شد».

بیژن اسدی

کشورهای غیر اسلامی اشغال کرده اند، جمعیت مسلمان مساحتی در حدود وسعت قاره آسیا را در اختیار دارند (حدود ۱۵/۵ مایل مربع). اکثریت جمعیت حدود ۵۵ کشور جهان را مسلمانان تشکیل می دهند و بیش از ۴۰ کشور از این کشورها خود را رسماً یک کشور اسلامی محسوب می دارند.

از نظر سیاستهای بین المللی و منطقه ای، کشورهای اسلامی جایگاه ویژه ای را بخود اختصاص داده اند. در بین مسلمانان، اعراب با توجه به جمعیت زیاد خود و نیز به خاطر دارا بودن برخی ذخایر اقتصادی و زمینه های تجاری مطلوب نقش مهمی در صحنه سیاستهای منطقه ای ایفاء می کنند. طی جنگ جهانی اول و شکست و تجربه امپراتوری عثمانی پس از پایان جنگ، جنبش های سیاسی و آزادیخواهانه در بین اعراب نضج و توسعه یافت. در این مورد، نضج «انقلاب عربی» در قلمرو عثمانی ها (۱۹۱۶)، اگر چه به تحریک و ترغیب استعمار انگلستان انجام گرفت، قابل ذکر است. پس از جنگ جهانی اول، خلافت برافستاد و نهادهای غیر دینی تحت تاثیر اندیشه های غربی پا گرفت. لذا پیرو این حرکت، مذهب یون و گروه های مختلف مذهبی سرزمینهای عرب زبان ابراز مخالفت کرده و بر لزوم تجدید نظر و انجام اصلاحاتی در نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس موازین سنی اسلامی تاکید

نمودند. از سوی دیگر، رهبران دینی لیبرال نیز با ترکیب اصول اسلامی با دیدگاههای ملی گرایانه تلاشهایی را در جهت انجام اصلاحات دینی - سیاسی با توجه به شرایط زمان شروع کردند. همین امر، باعث پیدایش اختلاف نظر و کشمکشهایی بین دو گروه مذکور شد.

ابراز مخالفتها و موضعگیری های امام خمینی (ره) در برابر خط مشی های سیاسی و اقتصادی حکومت شاه و سپس قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با ترغیب و هدایت او ظهور قطب دیگری را در کنار دو جناح دیگر با دیدگاههایی متفاوت آشکار کرد. امام خمینی (ره) با انتشار نوشته ها و اعلامیه ها، بویژه سلسله درسهایی تحت عنوان «ولایت فقیه»، که بعدها به صورت کتاب منتشر شد، رابطه جدی بین دین و سیاست را با تاکید فراوان مطرح کرد. در کتاب ولایت فقیه آمده است: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنا که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به «ولایت فقیه» برسد و آن را به تصور آورد، بیدرتنگ تصدیق خواهد کسرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. اینکه امروز به ولایت فقیه چندان توجهی نمی شود و احتیاج به استدلال پیدا کرده، علتش اوضاع اجتماعی مسلمانان عموماً و حوزه های علمیه خصوصاً^۲ می باشد».

۲. آیت الله روح الله موسوی خمینی و نامه ای از آیت الله کاشف الغطاء (ولایت فقیه)، (بی جا، بی نا، بی تا)، ص ۶.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران با زمینه‌سازیه‌های نظری و ایدئولوژیک دکتر علی شریعتی و آیت الله مرتضی مطهری و رهبری روحانیت شیعه ایران، دوران جدیدی از ترکیب دین و سیاست و اعتقاد به عدم تفکیک آنها را آشکار کرد. پیروزی مسلمانان شیعی ایران، به مثابه الگویی برای مسلمانان جهان عرب سرعت توسعه یافت و به نوبه خود حرکتها و نهضتهایی را در کشورهای عرب باعث شد. در این مورد، شروع یا تشدید جنبش‌هایی در مصر، الجزایر، سودان، عراق، عربستان، تونس، مراکش و غیره قابل ذکر است.

موضوع مورد بحث این کتاب عبارت است از: «اسلام سیاسی» دکترین یا نهضتی می باشد که اعتقاد دارد اسلام دارای نظریه‌ای مربوط به سیاست و حکومت است. اسلام سیاسی تنها یکی از دهها بیانیه‌های روشنفکرانه و سیاسی مربوط به ارتباط بین دین و سیاست را ارائه می دهد. به اعتقاد نویسنده کتاب، نزیه ایروبی، اگر چه دین و سیاست (اسلام سیاسی) به مثابه یک نظریه جدید است که عمده‌تاً پس از جنگ جهانی اول مطرح و رایج شد، ولی در واقع اسلام سیاسی ریشه در منابع سنتی و گذشته دارد که در کار پژوهش حاضر، بنا به ضرورت، جنبه‌های نظری و عملی آن در تاریخ حکومت اسلامی مورد کاوش قرار گرفته است.

پس از جنگ جهانی اول؛ با گسترش تدریجی فرهنگ غربی، بویژه در منطقه خاورمیانه اندیشه «سکولاریسم» (جدایی دین

از سیاست) در برخی کشورها پا گرفت. مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) در ترکیه، پس از پیروزی در جنگ استقلال، خلافت و نظام حقوقی سنتی اسلامی را در آن کشور برانداخت. او جدایی بین «دین» و «سیاست» را به شکل غربی آن قبول کرد. پس از آن، بیشتر نهادها و مؤسسات مذهبی باقی مانده (مساجد و غیره) در سلسله مراتب حکومت در رده‌های پایین سیاست و اجتماع قرار گرفتند و این اقدام از سوی مردم به حساب عملکرد ماموران لامذهب گذاشته شد. در ضمن، او بسیاری از سنتهای مذهبی و اعتقادات رایج را در ترکیه زیر پای گذاشت.

رضا شاه نیز به عنوان یکی از طرفداران سرسخت آتاتورک به تقلید از او اقدام به طرح و اجرای برنامه سکولاریستی در ایران کرد که به نوبه خود مخالفت‌های شدیدی را از سوی روحانیان و مردم برانگیخت.

در کشورهای عربی، بر خلاف ترکیه و تا اندازه‌ای ایران، قطع رابطه جسدی با سنتهای مذهبی انجام نگرفت. چنانکه مجموعه قوانین حقوقی در کشورهای سوریه و مصر در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ کاملاً برگرفته از نمونه‌های مشابه اروپایی نبود (برخلاف ترکیه که قانون مدنی و مجموعه قوانین جزایی آن در زمان مصطفی کمال پاشا از قوانین سوئیس و ایتالیا اقتباس شده بود)، برعکس، تلاش می شد که مقررات پیشین اسلامی با انعطافهای مناسب در برابر نیازهای دوران جدید انطباق داده شود. حتی جمال عبدالناصر، رهبر سوسیالیست مصر در انجام تبلیغات سیاسی مربوط به خط مشی پان-

عریسم خویش (ناصریسم) تا حد زیادی از زمینه های اسلامی استفاده کرد. چنانکه مطالعه سطحی «فلسفه انقلاب» ناصر نشاندهنده تقدم ارزشهای سنی اسلامی است. در جایی که مردمان سنی خاورمیانه در درجه اول خود را مسلمان می دانند و در مرحله بعد، عرب یا مصری، عبدالناصر اسلام را به عنوان یک نیروی محرک و پویا برای اتحاد عرب مورد احترام و تجلیل قرار می دهد و هر دو عامل را در خدمت سیاست خارجی مصر می گیرد. او در سخنرانی ها و نوشته های خود به طور مشخص و بارز، وظیفه و هدف اسلامی زیارت مکه و خانه خدا را نه تنها یک عبادت دینی، بلکه وسیله ای برای ایجاد حفظ و گسترش اتحاد و پیوستگی سیاسی میان کشورهای عرب و مسلمان تلقی می کند.

پس از جنگ جهانی دوم با افسوس قدرت کشورهای استعماری عمده نظیر انگلستان، فرانسه، ایتالیا و غیره و آشناسدن اعراب و مسلمانان با مظاهر استعمار و روشهای مبارزه با آن، نهضتهایی سیاسی - اسلامی در غالب کشورهای اسلامی به صورت آشکار یا پنهان شکل گرفت. لذا، عملاً درگیریهای میان گروههای اسلامی و قدرتهای استعماری، استبدادی و بعضاً کمونیستی در گرفت. به عبارت دیگر، مسلمانان پس از یک دوره پس رفت سیاسی و از هم پاشیدگی فرهنگی بار دیگر در جستجوی «هویت اسلامی» و بازگشت به ارزشهای خویش برآمدند. نقطه اوج حرکت تداومی مذکور، از لحاظ نظری و عملی،

انقلاب اسلامی ایران است، که همانطور که گفتیم، به نحو بارزی ترکیب دین و سیاست را نشان داد.

نویسنده، در بحث اولیه کتاب که آیا اسلام یک دین سیاسی است یا خیر می گوید: «منابع اصلی اسلامی، یعنی قرآن و حدیث، مطالب اندکی درباره حکومت و کشور مطرح می کنند. به هر حال، اولین مسئله ای که جامعه مسلمانان بلافاصله پس از فوت رهبر و بنیادگذار دین، یعنی حضرت محمد (ص)، با آن رو به رو شدند، مسئله «حکومت» بود. بنابراین، مسلمانان [عملاً] با مسئله تشکیل و ماهیت حکومت برخورد کردند. در واقع، اولین مسئله مورد اختلاف در جامعه مسلمانان که باعث ایجاد شکاف و چند دستگی بین آنان شده و فرقه هایی نظیر خوارج، سنی، شیعه و سایر فرقه ها را به وجود آورد، به مسائل سیاسی مربوط می شد».

واقعیت این است که اسلام هم در دوران آغازین ظهور خود و هم در دوران معاصر جنبه دین و سیاست را با هم دارد. در قرآن و حدیث نبوی، عقایدی شبیه عقاید مسیحیت در مورد وجود تمایز بین اموری که مختص «خداوند» بوده و اموری که خاص «قیصر» است، وجود ندارد. حضرت محمد (ص) هم پیامبر دینی و هم مؤسس یک حکومت بود. جانشینان او، «خلفای راشدین»، دارای عنوانهایی چون «امام» (رهبر روحانی جامعه) و «امیر المومنین» (فرمانده و بزرگ مؤمنان) بودند. پیکره دین اسلام را «فقه» یا «شریعت» (حقوق مذهبی)

تشکیل می‌دهند که برپایه قرآن، سنت، اجماع و عقل استوار است. از دیدگاه تاریخی و نظری، این حقوق اسلامی تغییرناپذیر و ثابت بود و فرمانها و احکام سلاطین یا سایر حکمرانان تنها می‌توانست مکمل آن باشد، نه آن را اصلاح یا لغو کند.

نهضت اخوان المسلمین به رهبری حسن البنا در مصر یکی از حرکت‌های بنیادگرایی اسلامی اولیه در جهان عرب بود که به عنوان یک حرکت سازمان یافته سیاسی توانست در کشورهای اسلامی پیروانی معتقد به دست آورد؛ این نهضت در کشورهای مصر، سوریه، ایران، پاکستان، اندونزی و مالزی پیشتر از سایر کشورها توسعه یافت. در برابر این نوع جدید بنیادگرایی اسلامی، «وهابیگری» در عربستان سعودی به عنوان نمونه بنیادگرایی نوع سلفی و قدیمی تر محسوب می‌شود. در حال حاضر، این فرقه در برابر بنیادگرایی شیعی ایران، بویژه در پاکستان، صف آرای کرده است. حسن البنا بر قابلیت اسلام برای تبدیل شدن به یک ایدئولوژی تمام و کمال تاکید داشت. گروه اخوان المسلمین برنامه خود را بر سه اصل قرار داده بود:

۱. اسلام نظامی جامع و متکامل به ذاته می‌باشد و راهی است نهایی برای زندگی در همه زمینه‌ها؛ ۲. اسلام از دو منبع بنیادی متشابه می‌گیرد و بر پایه آن استوار است: یکی قرآن و دیگری احادیث نبوی؛ ۳. اسلام در همه زمانها و مکانها قابل اجراست. مباحث کتاب حاضر عمدتاً ولی نه منحصرأ - به اسلام سیاسی در جهان عرب

(که در سالهای اخیر بسیار مسئله ساز بوده) پرداخته است. کتاب تا حد زیادی نظرات سیاسی بنیادگرایان سنی و بنیادگرایان جدید در جهان عرب را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در ضمن، واکنش، انتقاد و تحلیل روشنفکران عرب نسبت به جریانهای فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد. عنوان سرفصلهای مباحث کتاب عبارت است از: «اصول نظری و عملی حکومت اسلامی»؛ «سیاستهای مربوط به جنس و خانواده و یا جمع اخلاق اسلامی»؛ «تنوع اسلام جدید: تعبیرهای روشنفکرانه و نقش های سیاسی»؛ «نهضت‌های اسلامی: مطالعات موردی کشورها» (در دو بخش)؛ «اسلام سیاسی: مراجع روشنفکری»؛ «اسلام سیاسی: پایه های اجتماعی - اقتصادی»؛ «بانکها و شرکتهای و خدمات اسلامی، یا ظهور بورژوازی تجاری بومی»؛ «واکنش لیبرالهای اسلامی»؛ «اسلام سیاسی: چرا و کجا».

طی دو فصل چهارم و پنجم کتاب (در دو بخش)، مطالعات موردی نهضت های اسلامی در برخی کشورهای اسلامی عرب مورد بررسی قرار گرفته و ویژگی های مربوط به نهضت‌های اسلامی موجود و فعال در کشورهای مصر، سوریه، اردن، عربستان سعودی، سودان و تونس مطالعه شده است. نویسنده در بحث «اسلام سیاسی: مراجع روشنفکری»، مروری کلی بر مهم ترین روشنفکران اسلامی و معتقدان جدی عدم تفکیک دین و سیاست داشته است. در همین مورد، به چند گروه فعال سیاسی - اسلامی اولیه در تاریخ اسلام از

جمله خوارج اشاراتی داشته و سپس عقاید و نظرات چند نفر از رهبران طراز اول اسلام سیاسی را مورد نقد و بررسی قرار داده است. نظرات و عقاید ابوالاعلیٰ مردودی (پاکستانی)، حسن البنا (مصری)، از گروه اخوان المسلمین، سید قطب (مصری)، گروه‌های جهادی و سایر بنیادگرایان جدید و بالاخره، امام خمینی (ره) و انقلاب ایران از جمله مواردی می باشد که در این فصل مورد مطالعه قرار گرفته است.

نزیه ایوبی استاد علوم سیاسی و مدیر «برنامه اطلاعات سیاسی خاورمیانه ای» دانشگاه «اکستر» انگلستان است. او نوشته های زیادی درباره مسائل سیاسی خاورمیانه و نیز کشورهای در حال توسعه دارد. او پژوهش حاضر را با کمک های مالی «شورای پژوهشهای اقتصادی و اجتماعی» انگلستان و در خلال شش ماه ماموریت مطالعاتی خود به انجام رسانده است. انتخاب چنین عنوان پژوهش، در شرایطی که گروه‌های اسلامی - سیاسی و به عبارت دیگر «اسلام سیاسی» در برخی کشورهای اسلامی، بویژه خاورمیانه، پویایی تازه یافته اند، نشاندهنده اهمیت و حساسیت مسئله است. جالب آنکه بر خلاف بسیاری از کشورهای جهان سوم که به امر پژوهش اهمیت چندانی نداده و امکانات لازم را بر پژوهشگران فراهم نمی کنند، کشورهای

پیشرفته (و با سوابق استعماری) سر نخها و امور مهم را بخوبی دریافته و چه استفاده های شایانی که از این گونه پژوهشها نمی برند.

بیژن اسدی

ماورای زور: دوام دولت عرب

Dawisha, Aheed and Zarman, I. William (eds.). *Beyond Coercion: The Durability of the Arab State*. London: Croom Helm, 1988, 310 Pages.

دهه ۸۰، شاهد تجدید حیات مفهوم دولت در عرصه تحقیقات علوم اجتماعی بود. البته، این بار، خارج از حوزه فلسفه سیاسی و در ظرفی متفاوت با دوران گذشته، حساسیتهای روش شناختی و نظری جهت دهنده اصلی این گونه تحقیقات بود. اندیشمندان علوم اجتماعی، بویژه جامعه شناسی سیاسی، همواره به دنبال تبیین ماهیت و کارکرد ساختار دولت و ارتباط آن با دیگر نهادها و ساختارهای اجتماعی بوده اند. به دنبال تحول فوق، مطالعات منطقی ای و سیاست تطبیقی نیز بتدریج به نقش اساسی دولت در روند دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی اذعان داشته و شناخت دقیق تر آن را وجهه همت خود قرار داد.^۱

۱- جهت آشنایی با این تحولات رجوع کنید به:

Evans, Peter B., Dietrich Rueschemeyer, and Theda Skocpol, eds, *Bringing the State Back In*, Cambridge: Cambridge University Press, 1985; Fred Block, *Revising State Theory: Essays in Politics and Postindustrialism*, Philadelphia: Temple University Press, 1988; Stephen D. Krasner, "Approaches to the State Dynamics", *Comparative Politics* 16 (1984): 223- 146.